



بهترین سال‌های زندگی ما

رد پای یک گرگ

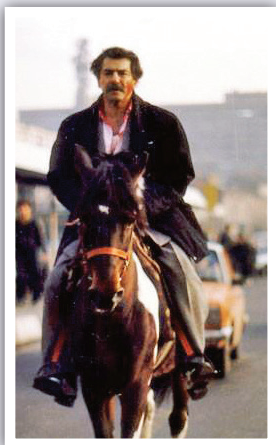


شاهپور عظیمی

ما هر قدر لایه بکشیم، از این و آن سبقت بگیریم یا ترمز کنیم و بکشیم کنار تا «جوان‌ها» گازش را بگیرند و به گردشان هم نرسیم، آخرش باید به خودمان جواب پس بدهیم و اعتراف کنیم که عشق به سینما کار دستمان داده است. اما به قول میرزا حبیب خراسانی این درد «هرگز نشود چاره که درمان‌شدنی نیست»

عشق ما به سینما یکطرفه بوده و هست؛ مثل خیلی از عشق‌هایی که معشوق، اصلش را بروز نمی‌دهد که عشق چیست و عاشقیت کدام است؟ یکی از حکایت‌های عاشقیت این بنده عاصی در بهمن ماه ۱۳۷۰ و در سینما بهمن به منصفه ظهور رسید. من بودم و رضای «رد پای گرگ» که خسته از ۲۰ سال زندان شوستر آمده بود دنبال طلعت.

من بودم و آن نارقیق که روی کاغذ رفیق بود و اسمش صادق خان هم بود! طبق ایام ماضی، عکس و تقصیلات فیلم کیمیایی در جریده «ماهانامه فیلم» ثبت شده بود اما قسمت نشد دوامش بر جریده این عالم ثبت شود. پیش از ورود به سالن نمایش و شروع عشق مجازی بر پرده نقره‌ای، دوستی بسیار قدیمی همراه دو تن از دوستانش آمده بودند سینما بهمن تا فیلم کیمیایی را ببینند. اما آن دوست آمده بود تا عشق دوران پارینه سنگی را نه یادآوری که زنده کند. در آن لحظات این تن خسته مانده بود با داستان عشق رضا و طلعت و فتو و آقا تهرانی و تارزن و بلبل که قرار بود وقتی می‌خواند، صادق خان هم عقد فرشته را بخواند و داستان دیگری که از گذشته‌های دور آمده بود و دو تا صندلی آن طرف تر، توی سالن سینمای بهمن، با جشنواره فیلم فجر مسابقه گذاشته بود. آن روز «رد پای گرگ» به‌خیر گذشت و «دو تنها و دو سرگردان، دو بیگس» از دام دیو و دد جستند. فیلم کیمیایی تمام شد. آن روز تمام شد... اما حساب ما و کیمیایی و قرار سرخ عاشقیت تسویه نشد که نشد: «قرار سرخی زمستان در شبی، برف و روز است. اما نه برف آمده نه ثریا.»



نمایی از فیلم رد پای گرگ



امین حیایی امسال با «زیبا صدایم کن» به جشنواره آمده است؛ فیلمی اجتماعی که او با رسول صدرعاملی به عنوان کارگردان در آن همکاری کرده است.



امین حیایی بخش مهمی از میراث تصویری سینمای بعد از انقلاب است

مردی از جنوب شهر

علیرضا محمودی

نیم قرن پیش خبرنگار پاریس ریویو به ژرژ سیمون جنایی نویسنده بزرگ فرانسوی خبر داده بود که در محافل ادبی فرانسه همه منتظرند تا خالق کمیسر ژول مگره و رمان‌های پلیسی کم نظیر یک رمان روشنفکری بنویسد. خبرنگار از نویسنده خواسته بود زمان پایان انتظار منتقدان را مشخص کند. پاسخ سیمون جمله‌ای بود بازتاب‌دهنده معنایی که می‌تواند روشنگر راهی برای مرور کارنامه بازیگری امین حیایی باشد. سیمون معتقد است مجموعه رمان‌های او در کنار هم یک کار روشنفکری است. سیمون بر تداوم و استمرار به‌عنوان مهم‌ترین ویژگی کار نثر بخش اجتماعی تأکید می‌کند. برای او نوشتن یک رمان برای ساختن کارنامه فقط راهی برای جلوه است تا مفهوم مؤثر جلال. شکوه هر کاری به تعامل آن با زندگی معنی می‌شود. بیرون از زندگی هیچ چیز معنی ندارد.

کارنامه بازیگری امین حیایی بحث‌برانگیز است. برخی، حتی فرزند بازیگرش از برخی انتخاب‌های او رضایت ندارند. برخی او را بازیگر فیلم‌های تجاری توصیف می‌کنند و برخی با مقایسه حیایی با بازیگران تئاتر در نسل‌های قبل، او را به دلیل دوری از معیارهای رایج نسل قبل هنرپیشگان ایرانی در رعایت مرزبندی‌های سیاسی شمتات می‌کنند.

بیش از ۳ دهه است که ما از طریق سینمای ایران و تولیدات آن امین حیایی را می‌شناسیم. در طول این سال‌ها او همیشه بازیگر آماده‌ای برای انواع نقش‌ها بوده. در دهه ۷۰ دورانی که هنوز نامش سرزبان‌ها نیفتاده بود، زمانی که برای نقش‌های مکمل سر صحنه می‌رفت، یا به‌عنوان بازیگر جوانان سر به هوا به تولیدات پرزد و خورد دعوت می‌شد یا وقتی به عنوان انتخابی خوب برای نقش رفیق ناباب در دفاتر تولید شماره‌اش را یادداشت می‌کردند، همیشه بازیگر آماده‌ای بود. او همیشه برای هر اجرایی بدنی ورزیده و سیمایی متناسب داشت. چه برای فریب دادن و چه برای فریب خوردن. در این دوران او مانند همه بازیگرانی که نان بازو می‌خورند، نقش به نقش حضورش را گسترش داد. حیایی این ویژگی کم نظیر در بازیگران سینمای بعد از انقلاب را داشت که برای مجموعه گسترده‌ای از نقش‌ها انتخاب مناسبی بود.

به جز بازیگران جوان اول و ستاره‌های دارای پرسونا اغلب بازیگران سینمای ایران صحنه کوچکی برای عرضه خود دارند. این ناخن خشکی در نقش‌نویسی از ساختار چرخه‌ای تولید در سینمای ایران می‌آید. وقتی فیلم‌ها از روی دست فیلم‌های موفق قبلی باز تولید می‌شوند تا به موفقیت فیلم قبلی برسند، توقع تنوع نقش امید بیپوده‌ای است. حیایی اما موفق شد زمینه متنوعی برای کار خود مهیا کند. اما ساختار چرخه‌ای تولید برای بازی در نقش جوان جنوب شهری خوش‌قلب و خوش‌چهره و خوش‌زبان در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ در کمدی‌های این دوره با او رفتاری مانند یک بازیگر -

شخصیت داشت. او بازیگر سینمای ایران بود و تداوم کارش ادامه دادن با همین تولیدات. در لابه‌لای کوران همین تولیدات پی در پی و سری‌دوزی‌ها دفاتر کم‌کار و پرکار او چند تکخال رو کرد. نمونه‌های قابل توجه کار بازیگری که کارش بیش از هر کاری تجسم با بدن و نگاه است.

«مزاحم»، «اثیری» و «نقاب» تریلرهایی بودند که بخش مهمی از هویت مهیب و هیجان‌انگیزشان مدیون بازی حیایی بود. مهمان مامان، کما و دختر ایرونی کمدی‌هایی موفق هستند که حیایی نقش مهمی در شیرینی و دلنشینی آنها دارد. حیایی تنها بازیگر این سال‌هاست که بدون کمترین تردیدی برای حضور در انواع نقش‌ها دعوت می‌شد. ریزنقشی و تحرک در کنار تسلط و کنترل ابزار مؤثر حیایی برای رسیدن به چنین تنوع کیمیایی است.

او به‌عنوان یک نمایشگر چیره‌دست دستاورد قابل‌اعتنایی برای سینمای ایران رقم زده بود. دعوت به همه کارها و پرکاری همیشه عارضه کم‌دقتی را هم به‌دنبال دارد. شاید حیایی در باره چندین نقش کمدی و جدی باید وسواس نشان می‌داد.

در دهه ۹۰ حیایی در «شعله‌ور» و «در خونگاه» توانست خود را دوباره به سطح اول بازیگری سینمای ایران برگرداند. احیای حیایی با بازی در نقش مردان پاکباخته که آخرین بازی زندگی‌شان به حیثیت و تمامیت وجودشان گره خورده، نگاه‌ها را متوجه حیایی کرد که می‌تواند کارهای بزرگ بکند.

او دوباره به فراز برگشته بود اما برای این برگشتن آمادگی خود را از دست نداده بود. ورزشی و تسلط و تحرک و ریزنقشی و تسلط همچنان بزرگ برنده‌ای در دستان کارگردان‌هایی بود که می‌دانستند هنرپیشه مصمم بزرگ‌ترین نعمت برای تعریف کردن جزئیات یک داستان است. در صنعت سینمای ایران که فقر تولید و ضعف توزیع همیشه مانع مهمی در بزرگ شدن ایده‌ها دارد، امین حیایی بخش مهمی از تصویری است که سینمای بعد از انقلاب از خود به میراث می‌گذارد. نمایشی که حیایی از خود در طول این سال‌ها بر جای گذاشته مانند خود زندگی است که پیرامون همه مادر جریان بوده. مهم این است که از ۱۳۷۰ تا امروز او همیشه ما را به مناسب بودن حضورش متقاعد کرده. امین حیایی بخشی از زندگی ما را مجسم کرده است.

